

مؤلفه ها و شاخصهای شکلگیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی

حامد کاوش‌نیا - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
علیرضا بندرآباد* - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
آتوسا مدیری - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

Dialectical arenas (components and indicators of place formation in urban areas from the perspective of critical theory)

Abstract

The public sphere is in fact a normative concept or concept in the general context of Habermas's general theories of communicative action and the ethics of dialogue. The public sphere is part of a social life in which citizens can exchange views on important issues related to public good (public interest). The result is the formation of public opinion. Democratic philosophers also believe that these spaces are the physical manifestation of the public domain, the field of activity, the communication of free people and groups, and the place of the formation of civil life.

Keywords: Place, public sphere, critical theory, factor analysis.

چکیده

امروزه طرح و تعمیم نظریه‌های انتقادی به شهر و منجمله «عرصه‌های عمومی شهری» در ادامه تلاشهای انسان معاصر برای دستیابی به شرایط زیستی مطلوب به عنوان یکی از مهم‌ترین آرمانهای جنبش‌های اجتماعی و همچنین حاصل «غنای تجربه‌های تاریخی و ثمره نظری انباشتگی معرفتها» است. حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریات کلی هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو جای دارد. حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسایل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) بپردازند. نتیجه این امر شکل‌گیری افکار عمومی است. فیلسوفان دموکراتیک نیز بر این باورند که این فضاها تجلی کالبدی حوزه عمومی، عرصه فعالیت، ارتباط و گفتگوی انسانهای آزاد و گروه‌های مختلف و همچنین محل شکلگیری حیات مدنی است. بر این اساس در این مقاله به بررسی مؤلفه‌ها و شاخصهای شکلگیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی پرداخته شده و در انتها نتایج تحقیق به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: عرصه عمومی، نظریه انتقادی، تحلیل عاملی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول با عنوان «از مکان تا عرصه‌های شهری (تبیین مؤلفه‌های ارتقاء مکان به عرصه‌های عمومی از منظر نظریه انتقادی)» با راهنمایی دکتر علیرضا بندرآباد و مشاوره دکتر آتوسا مدیری استخراج شده است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در حال انجام است. نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۴۳۱۱۵۰، رایانامه: bandarabad@yahoo.com

مقدمه

بحث «فضا و معنای فضا» از دیرباز تاکنون مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به‌طور عمده در دو حوزه «معماری و فلسفه» به آن توجه شده است. «فردریش نیچه» متفکر پایانی عقل مدرن و ابتدای قرن بیستم پیش‌بینی کرده بود که تحولات آینده جهان به سمتی می‌رود که تغییرات اساسی را شکل‌دهی می‌کند تا ما با مفاهیم جدید و «پسانسانی» روبه‌رو گردیم (فوکویاما، ۱۳۸۳، ص ۳۶). واژه public sphere را حوزه عمومی، عرصه عمومی، سیطره عمومی، قلمرو عمومی، فضای عمومی و فضای عمومی ترجمه کرده اند. لغت عمومی که از واژه لاتین populus به معنی «مردم» گرفته شده، معنای گسترده‌ای دارد. واژه‌های معادلی که در فرهنگ آکسفورد به عنوان صفت برای این واژه آمده، عبارتند از: «متعلق به مردم بودن؛ تعلق داشتن یا تمایل داشتن به یک جمعیت یا ملت یا در نظر گرفتن منافع آنها؛ کاری یا چیزی که برای یا توسط اعضای یک اجتماع منسجم محلی انجام شده یا ساخته شده؛ مجوز نمایندگی داشتن از طرف یک اجتماع منسجم محلی؛ آماده یا در دسترس یا قابل استفاده بودن یا سهم شدن تمام اعضای آن اجتماع؛ در انحصار استفاده خصوصی نبودن؛ در معرض دید و مشاهده یا اطلاع عموم قرار داشتن؛ پاسخگو بودن به عموم؛... در حالت اسم، معانی این واژه عبارتند از: علنی؛ مکان یا حالتی باز که در دید یا دسترس همگان باشد؛ گشوده؛ جامعه ساماندهی شده؛ پلیتیک شفاف؛ ملت، کشور و غیره (مدنی پور، ۱۳۸۹، صص ۱۳۲ و ۱۳۳).

روش پژوهش

با توجه به ماهیت تحقیق و لزوم در نظرگیری معیارهای شکلگیری عرصه های عمومی این پژوهش مبتنی بر دو نوع روش کیفی و کمی می‌گردد که روش های تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. روش توصیفی- تحلیلی؛ در مرحله جمع‌آوری ادبیات و مبانی نظری تحقیق درباره تعاریف، مفاهیم و احراز مفهوم مکان و عرصه های عمومی شهری؛

۲. روش فراتحلیل؛ در راستای جمع‌بندی و تحلیل کلیه تحقیقات صورت گرفته درباره مفهوم مکان شهری و پدیداری عرصه های عمومی شهری؛
۳. روش اسنادی؛ در راستای جمع‌بندی نهایی ادبیات و مبانی نظری تحقیق؛
۴. روش دلفی و کارشناسی؛ در راستای تدوین سوالات و گویه‌های پرسشنامه تحقیق رساله؛
۵. روش پیمایشی؛ در راستای تجمیع و گردآوری پرسشنامه در سطح جامعه آماری و نمونه موردی و تحلیل و جمع‌بندی نهایی پرسشنامه های دیدگاه شهروندی به مفهوم عوامل زمینه ساز عرصه های شهری و پارامترها و عواملی از نظر آنها باید در فضاها و مکان های شهری امکان بروز یابد.
۶. روش تحلیل محتوا و تحلیل عاملی

مواضع بنیادی پارادایم‌های عمده معاصر

با درک عمیق‌تر از کیفیت‌های محیط ما را هر چه بیشتر به این مفهوم رهنمون می‌سازد که می‌توان با دیدگاه‌های ضد پوزیتیویسم موضوع را مورد بازشناسی قرار داد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۲۱) به عبارت ساده تر پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان تنها به شیوه اثباتی و حتی روش‌های پسا اثباتی مورد بازشناسی قرار داد بلکه خوانش مکان و فضای شهر از دیدگاه‌هایی که در فضای پست مدرن به جهت ذات دیالکتیکی بودن مبحث می‌بایستی رد هر ابر روایت را حتی برای خود پست‌مدرن نیز رد کرد. خوانش فمینیسم و نظریه انتقادی از جمله تحرکاتی هستند که اگرچه جهت پیکان را به نقد از فضای مدرن در فضای شهر نشانه می‌رود اما در برخی از ویژگی‌ها نیز با رویکرد پست‌مدرن از شهر نیز سازگار نیست (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۴۲) از مهمترین تحولات دوره ما مسائلی مثل انقلاب اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و شهرهای چند فرهنگی است و مجموعه همه اینها یعنی دگرگون شدن ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تحول بنیادین معنای مکان و جستجوی پایگاه‌هایی متفاوت از قبل (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۶). جهت‌گیری که در شهرهای امروز در حال رخ دادن است حرکت به سمت انواع جدید واقعیت‌های شهری است. در واقع علائم بسیاری وجود دارد که



در طول قرن بیستم، نشانگر چرخش از سرمایه داری لیبرالی خود تنظیم شونده قرن نوزدهم به «سرمایه داری سازمان یافته و سراپا برنامه ریزی شده» قرن بیستم است. این ویژگی با گسترش هر چه بیشتر پدیده جهانی شدن موجب تغییر ساختار شهرها و همگرایی هر چه بیشتر به نفع رد تمایزات فرهنگی و شکلی و یا به عبارت ساده تر همشکلی در قرن بیست و یکم خواهد شد.

به ما می گوید دانش و فرهنگ و خلاقیت به کلمات کلیدی در مفاهیم شهری جدید تبدیل شده اند. آنچه به ذهن متبادر می شود این دگرگونی ها چگونه ساختار شهرها و اجتماعات ما را تغییر می دهند و آینده شهر چه خواهد شد و این دگرگونی ها چه تغییراتی را در فضاهای شهری بوجود می آورند. از نظر مکتب فرانکفورت، پیدایش و رواج یافتن رسانه های جمعی و «صنعت فرهنگ» و رخنه بی وقفه آنها در زندگی

عنوان	اثبات گرایی (پارادایم محیط سنج) منطق تبیین (ساختاری، نظری و علی)	پسا اثبات گرایی	نظریه انتقادی	
کلیات	ریشه فلسفی در آرا بیکن، دکارت، هیوم؛ ریشه جامعه شناسی بر رهیافت تجربه گرایی سن سیمون، اگوست کنت، دورکیم و دیگران دارد؛ مبتنی بر روش تجربی- مشاهده ای؛ واقعیت های غیر قابل تغییر در محیط؛ مبتنی بر اصالت محیط؛ تبیین داده ها بیشتر مبتنی بر فرض خطی بودن داده ها صورت می گیرد و در واقع بیشتر بازی با اعداد است.	نقد و دگرگونی ساختارهای اجتماعی که محدود کننده انسان است؛ مخالف دانش محافظه کار؛ دانش به مثابه بینش ها و اندیشه های ساختاری- تاریخی که دگرگون می شود؛ انسان موجودی خلاق اما گمراه شده؛ تحقیق سیاسی از نظر بوردیو؛ هدف تحقیق آشکارسازی رویدادهای ظاهراً عادی و بدیهی		
هستی شناسی	واقع گرایی بومی- واقعیت واقعی و قابل درک	واقع گرایی محتمل-انتقادی	واقع گرایی تاریخی- واقعیت مجازی (ارزش های اجتماعی سیاسی اقتصادی و جنسیتی در خلال زمان)	
معرفت شناختی	عینی گرا: یافته ها حقیقت دارند	یافته ها احتمالاً حقیقت دارند.	مبادله ای- ذهن گرا؛ تعاملی؛ تعامل سوژه و ابژه	
روش شناسی	دستکاری کننده (تایید فرضیه ها عمدتاً روش های کمی)	آزمایشی، دستکاری شده تعدیل شده- چندگرای انتقادی، ابطال فرضیه ها ممکن است روش های کیفی را نیز به خدمت بگیرند	گفتگویی و جدلی؛ ناآگاهی و درک نامناسب تبدیل به آگاهی «آگاهی بخش»	



خود نشان داده اند. اما با رجوع به حوزه فلسفه و سابقه طولانی مباحث و موضوعات فلسفی مربوط به مفاهیم فضا در می یابیم که مباحث فلسفی درباره فضا، در سه قرن گذشته تحت سیطره دوگانگی میان انتخاب نظریه‌های مطلق در برابر نظریه‌های رابطه‌ای بوده است. ایزاک نیوتن به نظریه فضایی مطلق شکل داد و او فضا (و زمان) را اشیایی واقعی می دانست، یعنی مکان هایی برای خودشان، آن گونه که برای تمام چیزهای دیگر (به نقل از اسپیک، ۱۹۷۹:۳۰۹). اگر چه کانتر مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مولفه های مکان در «ادراکهای رلف» در کتاب «مکان و بی مکانی» به صورت سه مولفه «کالبد، فعالیت و معنی» در ۱۹۷۶ ارائه شده است. جذابیتها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. «پانتر» در ۱۹۹۱ و «مونتگمری» در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه بندی می کنند. «مدل حس مکان رلف- پانتر»: مولفه‌های کیفیت سنجی این مدل عبارتند از: «فعالیت»: کاربردی، حرکت پیاده، رفتار، گوها، بو و صدا، حرکت وسایل نقلیه؛ «کالبد»: منظر شهری، شکل ساخته شده، نفوذپذیری، منظر، مبلمان؛ و «معنا»: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت، ارزیابی های کیفی.

«مدل مکان کانتر- مونتگمری»: مولفه‌های کیفیت سنجی این مدل نیز عبارتند از: «فعالیت»: تنوع سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره‌به‌چهره مردم، سنتها و سرگرمی های محلی، فرهنگ کافه-نشینی، ساعت های باز، حرکت جاذبه ها، دادوستد، بافت نرم اقتصادی؛ «فرم یا کالبد»: مقیاس، نیرومندی، نفوذپذیری، نشانه های شهری، نسبت فضا به ساختمانها، دانه بندی عمودی، عرصه عمومی؛ «تصورات»: نمادگرایی و خاطره، تصویرپذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن (Carmona-2003:99). همانگونه که مشاهده می شود، عمده معیارهایی را که در کیفیت محیط شهری ارائه شده به

مبانی نظری

یکی از مسایل بنیادین در شناخت و درک نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم و نیز کسب توانایی در طراحی و دگرگونی آن در راستای ایجاد تأثیرات مثبت، فهم چیرستی معنای محیط است. فضای اطراف اصلی ترین معیار تعریف محیط است، قرابت معنایی این دو مفهوم در مباحث طراحی شهری به نحوی است که محیط شهری ساخته شده را با در نظر گرفتن شروطی، فضای شهری می نامند. بنابراین هر تعریف، توصیف یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف ما باشد. از این رو شناخت مفاهیم فضا شاید در مرحله اول شناخت محیط اطراف و در نهایت ساختار فضای شهری باشد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد دست کم ۱۹ معنی برای واژه فضا می آورد، که از جمله می توان به اینها اشاره کرد: گستره ای پیوسته که در آن اشیا وجود دارند و حرکت می کنند، مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است و فاصله میان نقاط و اشیا.^۱ این معانی نشانگر برخی از موارد درک مشترک از این واژه اند که در زندگی روزمره به کار می رود. همچنین تصویرگر پیچیدگی این مفهوم و اشاره گر به مباحثی عمیق و ریشه دار درباره فضا است که مدت هاست که مطرح اند. اگر جستجو به دنبال رویکرد فضا را در بطن علوم اجتماعی آغاز کنیم، با عدم حضور این واژه در اکثر کتاب های مرجع جامعه شناسی مواجه می شویم (هولت، ۱۹۶۹؛ میچل، ۱۹۷۹؛ آبرکرومی، و ترنر، ۱۹۸۴؛ بودون و بوریگاد، ۱۹۸۹؛ مارشال، ۱۹۹۴) و این گواهی است بر این مطلب که تاکنون جامعه شناسان به ندرت علاقه ای قوی به فضا از

۱. فضاهای شهری به طور کلی نظم عمومی جهان انسانی را بازتولید می کند. در این فضاها تماس میان شهرنشینان اتفاقی آبی و زودگذر است. به زعم جین جاکوبز منتقد معماری آمریکایی؛ پیاده روهای شهری به مثابه یک فضای عمومی در به وجود آوردن یک فضای همدلانه و جو اعتماد و صمیمیت میان افراد موثرند (ادعای جاکوبز با ملاحظه فضای عمومی شهرهای توسعه نیافته به راحتی قابل نقد است). فضای عمومی شهر همانطور که از نام آن پیداست، یک فضای «عمومی» است. عمدتاً به فضای عمومی شهر به عنوان یک واحد محیط شناختی «Ecological Unit» نگریسته می شود و مباحث شکل گرفته پیرامون آن یک نوع ریخت شناسی «morphology» صرف است.

صورت زیر مجموعه ای مشترک از دو بعد از ابعاد سه گانه دانست. به طور ویژه مولفه عملکردی و تجربی- زیبایی شناختی را می توان در زیر مجموعه مشترکی از بعد اجتماعی و محیطی دانست. گلکار در آزمون مدل پیشنهادی خود برای مکان پایدار معیارهای کیفیتهای ارائه شده توسط متخصصین را در ذیل سه مولفه خود طبقه بندی می کند و مجموعه آنها را نمایش می دهد.

نگاه به این جمع بندی عدم حضور ویژه بعد اقتصادی و به دنبال آن بعد مدیریتی را در بیان مکان پایدار نشان می دهد. هر چند وی پاره ای از معیارهای اقتصادی و مدیریتی مطرح شده توسط متخصصینی نظیر «لینچ، جیکوبز، هاوتون و هانتز» را در ذیل مولفه عملکردی می آورد؛ باید چنین عنوان کرد که سطح بعد اقتصادی فراتر از آن است که زیرمجموعه ای از بعد عملکردی باشد و به نوعی اقتصاد خود شکل دهنده عملکرد است.

نظریه های معماری و شهرسازی انتقادی حوزه های عمومی

(*) الف- نظریه کرمونا و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «کرمونا» نیز عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی»^۳ و «عرصه عمومی فرهنگی- اجتماعی»^۴ مورد بررسی قرار می دهد (Carmona, 2003:11).

(*) ب- کوستوف و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «کوستوف»^۵ علی رغم اینکه در تعاریف خود از قلمرو عمومی بیشتر «فضاهای باز» را مدنظر دارد، اما به دلیل تعریفی که از فعالیت های انجام شده در این فضاها می کند به نظری مشابه لنگ می رسد: «شاید به صورت بنیادی، آیین های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفته اند که شامل آنژیوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸).

(*) پ- لنگ و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ لنگ اشاره می کند که در مورد محدوده فضای

صورت خلاصه تر در معیارهای کرمونا برای پایداری مشاهده کرد. هر چند مجموعه معیارهای ارائه شده توسط متخصصین می تواند به کیفیت ایده آل فضای شهری، که تعییری از پایداری این فضاهاست، نزدیک شود، ولی همانگونه که به صورت کاملاً بارز مشاهده می شود، به ابعاد محیطی و مولفه های زیست محیطی موثر در کیفیت فضاها توجه ویژه ای نشده است. روشن ترین وجه تبلور این مساله را در مدل های ارائه شده به عنوان دو مرجع مهم می توان دید. ارزش مولفه های محیطی نظیر اقلیم خرد ناشی از آفتاب، باد و غیره به گونه ای است که در صورت فراهم نبودن آسایش محیطی در فضای شهری، صحبت از معیارهای دیگر کیفیت، که نتیجه ای از حضور مردم در فضای شهری است، بی نتیجه به نظر می رسد. شدت این مساله در مناطقی که دارای شرایط محیطی خاص هستند، بیشتر است. وجه دیگر ارزش مولفه های زیست محیطی فضاها، عمومی شهری دامنه گسترده ارتباطی آن است که در یک سلسله مراتب به شهر، منطقه و بنا به تعبیرات پایداری به کلیت کره زمین پیوند می یابد. به زبانی جایگاه فضای عمومی شهری در یک اکوسیستم دیده می شود. به نوعی مبتنی بر تعابیر مک هارگ، ما در هنگام طراحی یک فضای شهری حتی در مقیاسی کوچک داریم در بخشی از کره زمین به عنوان یک کلیت طراحی می کنیم. گلکار با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم شناسی و توجه به محیط به نارسایی مدل کانتر به عنوان یک مدل مرجع در این زمینه اشاره کرده و عنصر اکوسیستم را به کالبد، فعالیت و تصورات در مدل کانتر می افزاید. وی این ترکیب جدید را مدل مکان پایدار می نامد.^۶ تطبیق این مدل با معیارهای سه گانه پایداری یعنی مولفه اجتماعی، اقتصادی و محیطی نشان می دهد که مولفه های زیست محیطی دقیقاً منطبق بر بعد محیطی است. دو مولفه دیگر عملگری و تجربی- زیبایی شناختی را بسته به معیارهای ارائه شده در مورد هر مولفه می توان به

3. Physical Public Realm

4. Socio-Cultural Public Realm

5. Kostof

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه صفا شماره ۳۲، صص ۳۸-۶۵



عمومی و خصوصی ابهام وجود دارد. به این دلیل که هر دو سطوح مشترک کالبدی می یابند. در واقع محدوده فضای عمومی گاه به درون محوطه‌هایی که دارای مالکیت خصوصی هستند، نفوذ می کند و این محوطه های را (به دلیل استفاده عمومی از آنها) به عنوان فضای عمومی مطرح می کند؛ یعنی محدوده اجتماعی فضای عمومی با محدوده حقوقی و کالبدی آن، روی هم قرار نمی گیرند. در نتیجه مرز کالبدی فضا با قلمرو اجتماعی آن یکسان نیست. وی در این ابهام فضاهای عمومی اعتقاد دارد که اگرچه مردم از نظر دسترسی به آنها از آزادی نسبی برخوردارند، اما این مکان ها در مالکیت خصوصی قرار دارند. در توضیح این نکته لنگ می گوید: اگرچه، در مورد آنچه که قلمرو عمومی را تشکیل می دهد، مقداری ابهام وجود دارد، ولی چنان که تحلیل مختصری از عناصر محاط کننده آن نشان می دهد، قلمرو عمومی را کف و سطوح ساختمان های احاطه کننده آن دربر گرفته است. برخی از این سطوح دیوارهای خارجی هستند که فضای عمومی و خصوصی را از هم جدا می کنند، اما سطوح دیگر، دیوارها و سقف هایی هستند که فضاهای داخلی را در خود جای می دهند. ابهام به دو دلیل ایجاد می شود:

۱- عناصر تعریف کننده قلمرو عمومی (به ویژه دیوارهای ساختمانها) غالباً در مالکیت خصوصی هستند که مسائلی را در رابطه با مالکیت عمومی در برابر خصوصی مطرح می کند و ۲- بسیاری از فضاها، هم در داخل و هم در خارج ساختمانها نیمه عمومی هستند (Lang 189-1994:187).

(* ث- نظریه چرمایف- الکساندر و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «چرمایف»^۶ و «الکساندر»^۷ به طور کلی سلسله مراتب فضاهای شهری یا عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در شش دسته زیر طبقه بندی می کنند: «فضاهای عمومی شهری»: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم مردم است، مانند شاهراه ها، جاده ها، راه ها و پارک های شهری؛ «فضاهای نیمه عمومی شهری»: فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده

(* ج- نیروی ویژه شهری و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «نیروی ویژه مسائل شهری»^۸ با بر شمردن فضاهایی همچون خیابانها، میادین و پارکها به عنوان فضای عمومی به شبکه فضاهای عمومی اشاره می کند و چنین بیان می دارد که چنین شبکه ای دامنه انتخاب های مردم در زندگی روزمره شهری را گسترده می کند. از دید آن ها بهترین شهرهای فشرده و منظم حول یک الگوی ارتباطی مناسب از خیابان ها و فضاهای عمومی طراحی می شوند. این گروه سپس جهت ایجاد یک عرصه عمومی با ارزش های ثبت نیاز به یک رویکرد و برنامه ریزی جامع در مورد فضاهای عمومی را مطرح کرده و دو توصیه اساسی می دهد: «۱. نهادهای مدیریت علمی نیاز به فراهم آوردن یک استراتژی جداگانه برای عرصه عمومی و فضاهای باز دامنه که با طراحی نگهداری، مدیریت و مسائل مالی سر و کار دارد؛ و ۲. معرفی یک برنامه ملی جهت ایجاد مسیرهای سبز پیاده

8. Urban Task Force

6. Chermayeff
7. Alexander



فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. در فضاها شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.^{۱۳}

(*) ح- نظریه جین جیکوبز و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ «جین جیکوبز»^{۱۴} در سال ۱۹۶۱ در کتاب «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا»، ۵ معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب بیان می‌کند: «۱. ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط؛ ۲. استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ تنوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت‌های مختلف در یک ناحیه؛ ۳. توجه به عنصر خیابان؛ ۴. نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت؛ و ۵. اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها.

(*) خ- لینچ و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ «کوین لینچ» با انتشار «تئوری شکل خوب شهر» در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد: «سرزندگی»: به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر؛ «معنی (حس)»: به معنی نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛ «سازگاری»: به منظور انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری؛ «دسترسی»: به مفهوم سهولت نفوذ فیزیکی به بخش‌های مختلف بافت شهری؛ «کنترل و نظارت»: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه‌همانی؛ «کارایی»: کارا

۱۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

-Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings
-Larice, Michel and Macdonald, Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348375-

- رفیعان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳. صص ۴۳-۳۵

14. Jacobs

شهری اطراف یا درون شهرهای بزرگ و کوچک.^۹ (*- چ- گه‌ل و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ یک فضای شهری می‌تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند. بسته به میزان همخوانی و هم‌نوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه‌های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، فضای شهری می‌تواند از وجوه برجسته‌تری از نظام مطلوب بهره‌گیرد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورتها مرتب بر آن نیز محسوب می‌گردد. «گه‌ل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می‌دهد: «۱. «فعالیت‌های ضروری»؛ فعالیت‌های ضروری^{۱۰} و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و ارتباط خاصی با ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت‌هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جای می‌گیرند. این طیف از فعالیت‌ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می‌طلبد؛ ۲. «فعالیت‌های گزینشی و انتخابی»؛ دسته دوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شوند را، «فعالیت‌های گزینشی و انتخابی»^{۱۱} تشکیل می‌دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می‌کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان‌های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب و دیدنی جزء فعالیت‌های انتخابی و موردی به‌شمار می‌آیند؛ ۳. «فعالیت‌های اجتماعی»؛ دسته سوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری رخ می‌دهند، «فعالیت‌های اجتماعی»^{۱۲} هستند که بسته به ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را در برمی‌گیرد. این فعالیت‌ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت‌ها و فضای اجتماعی، فعالیت‌های نهایی نیز خوانده می‌شوند. شرایط خاص

۹. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: Urban Task Force (1999) 59-Towards an Urban Renaissance. PP 56

10. Necessary Activities

11. Optional Activities

12. Resultant Activities (Social Activities)

شهری؛ «جان پانتر و متیو کرمونا» در کتاب «ابعاد طراحانه برنامه ریزی شهری»^{۳۳} در ۱۹۹۱ نیز بحث کیفیت را در موارد زیر مطرح کرده‌اند: «کیفیت پایداری زیست محیطی»؛ «کیفیت منظر شهر»؛ «کیفیت دیده‌ها»؛ «کیفیت فرم شهر»؛ «کیفیت فرم ساختمان»؛ و «کیفیت عرصه همگانی». تحلیلی دیگر از «کیفیات محیط کالبدی» در کتاب معروف «متیو کرمونا» تحت عنوان «مکان‌های عمومی - فضاهای شهری»^{۳۴} ارائه شده است. در این اثر کرمونا کیفیات تأثیرگذار بر محیط کالبدی را به ۷ دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: دسترسی؛ سخت فضا و نرم فضا؛ فضای همگانی؛ ایمنی و امنیت؛ منظر شهری؛ اختلاط و تراکم؛ و همه شمول بودن.

(*) ز- OPDM و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM) در بررسی شخصیت و هویت فضای عمومی سه بعد را مطرح می‌کند: ۱. «بستر فعالیت»^{۳۵}: که شامل محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود؛ ۲. «جعبه ابزار»^{۳۶}: که عناصر اصلی و کلیدی که فضای عمومی را تشکیل می‌دهند، شامل می‌شود؛ و ۳. «کیفیت‌ها»^{۳۷} که برتری‌های خاص و ویژه فضا را در بردارد. این دفتر سپس باتکیه بر آنچه در سند «به کمک طراحی»^{۳۸} که توسط CABE^{۳۹} و DETR^{۴۰} در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، اشاره می‌کند که فضاهای عمومی می‌توانند با ۱۰ عامل زیر متمایز و مشخص شوند: «نظافت و پاکیزگی»^{۳۱}: آیا این مکان‌ها تمیز هستند و به تمیزی آنها رسیدگی می‌شود؟ «دسترسی»^{۳۲}: این فضاها تا چه اندازه در دسترسند و قابلیت تحرک در آنها

بودن هریک از معیارهای فوق باتوجه به هزینه؛ و «عدالت»: پرداخته شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن هزینه کنند^{۱۰}.

(*) د- یان بنتلی و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ یکی از مشهورترین مجموعه کیفیهای طراحی شهری مجموعه ارائه شده توسط «یان بنتلی و همکارانش» در کتاب «محیط‌های پاسخده»^{۱۶} است. این ۷ معیار که باید در ایجاد محیطهای پاسخده رعایت شوند عبارتند از: «نفوذپذیری»؛ «گوناگونی»؛ «خوانایی»؛ «انعطاف پذیری»؛ «تناسبات بصری»؛ «غنای حسی»؛ و «رنگ تعلق». در بسیاری متون این کیفیات در قالب اهداف طراحی شهری بیان شده است، بطور مثال در کتاب «به کمک طراحی»^{۱۷} که بیان کننده موفقیت طراحی در سیستم برنامه‌ریزی است، اهداف طراحی به نوعی بیان کننده کیفیت‌های مورد توجه در طراحی شهری محیط کالبدی است. این اهداف عبارتند از: هویت؛ تداوم و محصوریت؛ کیفیت عرصه همگانی؛ سهولت حرکت؛ خوانایی؛ تطابق؛ و تنوع.

(*) ذ- PPS و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ در همین زمینه مطالعه ای که PPS^{۱۸} بر روی بیش از ۱۰۰۰ قطعه فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف دنیا انجام داده است، حاکی از آن است که ۴ عامل اساسی سنجش «مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری» از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است: «دسترسی و به همپیوستگی»^{۱۹}؛ «آسایش»^{۲۰} و تصویر ذهنی؛ «استفاده‌ها و فعالیتها»^{۲۱}؛ «اجتماعی بودن»^{۲۲}.

(*) ر- پانتر و کرمونا و ابعاد عرصه در فضاهای



۲۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

- Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON

۲۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

- Carmona, M (2003) Public places, Urban spaces. Architectural press

25. The Context for Actions

26. The Kit of Parts

27. The Causalities

28. By Design

29. Commission for Architecture and the Built Environment

30. Department of the Environment, transport and the Regions

31. Cleanliness

32. Accessibility

۱۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: لینچ، کوین (۱۳۸۷) تنوری شکل خوب شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: بنتلی، یان (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

17. DETR(2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment London

18. Project for Public Spaces (www.pps.org)

19. Access & Linking

20. Comfort & Image

21. Uses & Activities

22. Sociability

وجود دارد؟ «جذابیت»^{۳۳}: تا چه اندازه جذابیت بصری دارند؟ «راحتی»^{۳۴}: آیا افراد در گذراندن اوقات فراغت در این مکان راحتند؟ «جامعیت»^{۳۵}: به چه میزان پذیرای طیف های مختلف اجتماعی هستند؟ «سرزندگی و پویایی»^{۳۶}: تا چه حد از فضا استفاده شده و امکان انجام فعالیت های شاد و زندگی بخش وجود دارد. «عملکرد»^{۳۷}: تا چه حد قابلیت به مرحله اجرا درآمدن فعالیت های مختلف در فضا وجود دارد؟ «تمایز و تشخیص»^{۳۸}: آیا این فضا یک شخصیت خاص دارد؟ «ایمنی و امنیت»^{۳۹}: آیا این فضاها احساس امنیت را القا می کنند و فضاهای امنی هستند؟ «نیرومندی»^{۴۰}: تا چه حد در طول زمان انعطاف پذیر هستند؟ (ODPM,2004:19)

جدول ۲. نظریه پردازان به مفهوم عرصه شهری با دیدگاه انتقادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مفهوم عرصه	نظریه پرداز	
حوزه عمومی فراهمکننده شکلگیری و تحقق جامعه مدنی بوده و فضای عمومی (شهری) تجلی کالبدی حوزه عمومی است. حوزه عمومی به معنی دقیق کلمه عرصه ای است که هیچ حد و حدودی بر فعالیت آن وضع نشده باشد، حوزه عمومی حوزه عقلانی و حقیقت یاب و حقیقت ساز جامعه است. اهمیت این مفهوم بهعنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک بوده است. با نقد فرآیند عقلانیت ابزاری مفهوم عقلانیت ارتباطی را عرضه می دارد که اساساً فرآیندی رهایی بخش است. کنش ارتباطی	هابرماس	۱
عرصه عمومی را چنین می داند: «تمام بخشهای بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابان ها، پارکها و میادین شهرک یا شهر، با ساختمان هایی که محصورشان می کنند گسترش می یابند». از منظر او، عرصه های عمومی «مهمترین بخش از ساختار شهرک ها و شهرهای ما هستند؛ جایی که بیشترین میزان تماس و تعامل انسان ها در آن روی می دهد» (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴، ص ۳۶).	فرانسیس تیبالدز	۲
فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، فضایی برای همزیستی مسالمتآمیز و برخوردهای غیر شخصی	والزر	۳
عرصه عمومی از دو جزء تشکیل می شود: جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در آن روی میدهند ارتباط دارد؛ و جزء دوم چگونگی تصمیم گیریهای جمعی توسط دولت یا در چارچوب سازوکار بازار براساس قانون اساسی هر کشور را در برمی گیرد.	جان لنگ	۴
عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی» و «عرصه عمومی فرهنگی - اجتماعی» مورد بررسی قرار می دهد. (Carmona, 2003:11)	«کرمونا»	۵
«شاید به صورت بنیادی، آیین های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفتهاند که شامل آنژیوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸؛ به نقل از Kostof, 1992:82). «فضاهای باز» + فعالیت	کوستوف	۶

38. Distinctiveness
39. Safety and Security
40. Robustness

33. Attractiveness
34. Comfort
35. Inclusively
36. Vitality and Viability
37. Functionality

جدول ۲. نظریه پردازان به مفهوم عرصه شهری با دیدگاه انتقادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مفهوم عرصه	نظریه پرداز	
نظریه توتالیتاریسم آرنست سیاست را مهمترین عرصه تجلی عمل انسانی میدانند، همان که او را به آزادی می رسانند. و حوزه عمومی دنیای مشترک و فضای ظهور.	هانا آرنست	۷
مفهوم حوزه عمومی هابرماس را به اختصار این گونه توصیف کرده است: «این مفهوم، تاثیری را در جوامع مدرن مشخص می کند که در آن مشارکت سیاسی از طریق گفتگو اجرا می شود. حوزه عمومی فضایی است که در آن شهروندان درباره امور مشترکشان گفتگو می کنند و از این رو عرصه نهادینه کنش متقابل گفتگویی است.»	نانسی فریزر	۸
فضای عمومی به عنوان بستر مشترکی است برای انجام فعالیت های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده اعضای جامعه است. چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دورهای؛ صفحه ای است که در آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد.	Carr	۹
«فضای عمومی را می توان به مشابه فضایی تعریف کرد که اجازه می دهد مردم به آن و فعالیت های درون آن دسترسی داشته باشند و فضایی است که یک کارگزار عمومی آن را کنترل می کند، فضایی که در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می شود» (1996:148-Madani Pour).	مدنی پور	۱۰
هابرماس از گستره یا فضایی اجتماعی یاد می کند که میان دولت و جامعه مدنی قرار می گیرد و کارکرد فعال اجتماعی اش وابسته به تمایز قطعی و شکاف میان آن دو است. این گستره مجموعه ای است کنشها و نهادهای فرهنگی که البته کارکردهای غیر فرهنگی یعنی نقش های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی نیز می یابند. این کارکردها جنبه عمومی و یا همگانیت دارند که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی مستقل و مصون هستند. در عین حال نهادهای حوزه عمومی دارای آن استقلال زندگی شخصی و خصوصی که ویژه جامعه مدنی است، نیستند.	بابک احمدی	۱۱



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

برای پاسخ به سؤال با توجه به محدودیتها و شرایط خاص از نظرات متخصصین در زمینه ارزیابی مولفه‌های مستخرجه به عنوان الزامات تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی و بر اساس نمونه‌های هدفمند و در مجموع مؤلفه‌های مستخره به تایید صاحب‌نظران رسید و هدف تحقیق محقق گردید.

معیار	تعریف عملیاتی
آزادی	این معیار به آن معناست که طرح بتواند حقوق فردی افراد را حفظ کرده و آزادیهای فردی، فدای اجرای آن نشود.
فرصت برابر	این معیار به فرصت برابر به دسترسی برای همه از فرصتها، منابع، امکانات و اطلاعات تاکید دارد و در تقابل با رانتهای گروه های خاص صاحب قدرت و یا نفوذ تعریف می شود.
تفاوت	این معیار بدان معناست که در صورتی که تفاوتی در توزیع وجود دارد، این تفاوت زمانی عادلانه است که به نفع محروم ترین طبقه باشد.
نیاز	این معیار اشاره دارد که افراد دارای از حقوق مساوی در بهره‌وری از منابع و امتیازات برخوردار هستند؛ ولی نیاز همه افراد مشابه نیست و تساوی در بهره‌وری از دیدگاه نیاز افراد به صورت تخصیص نابرابر (عدم تساوی) جلوه‌گر میشود.
شرکت درمنفعت عمومی	مطابق این معیار، آن دسته از افرادی که فعالیتشان به نفع عده بیشتری است، بیشتر از آن عده که فعالیتشان به عده کمتری اختصاص دارد، حق ادعا دارند.
استحقاق	این معیار به مواردی اشاره دارد که افراد به دلایلی نظیر سابقه زحمت بیشتر، تحت تعلیم بوده و میزان تحصیلات و ... استحقاق بیشتری دارند.
آزادی انتخاب	این معیار به این معناست که شهروندان حق انتخاب آزادانه بهره برداری از فضا و شهر را دارند.
قرائت‌پذیری و شفافیت	این معیار به این معناست که فضاهای شهری امکان برقراری ارتباط با کاربران و قرائت آزادانه از فعالیت‌های مندرج در فضای شهری را دارند.
تجمع پذیری	این معیار به این معناست که امکان زندگی جمعی و برقراری تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری داده می شود.
قرائت پذیری میراث فرهنگی	این معیار به این معناست که شهروندان می توانند با موارث فرهنگی و پیشینه تاریخی خود ازادانه ارتباط برقرار کرده و ممنوعیتی ندارند.
زیبایی و منظر شهری	این معیار به این معناست که زیبایی منظر شهری در شکلگیری عرصه های عمومی شهری تاثیر دارد.
هویت و فرهنگ	این معیار به این معناست که افراد می توانند به هویت و فرهنگ خود (از نوع پوشش گرفته تا ادب و رسوم و جشنهای آیینی) رجوع و آن را در فضاهای شهری پدیدار کنند.
راحتی و اسایش	این معیار به این معناست که افراد در هنگام استفاده از فضا راحت بوده و احساس آسایش دارند.
تنوع و جذابیت	این معیار به این معناست که فضای شهری جذاب بوده و با تنوع خود می تواند زمینه حضور شهروندان را در فضا فراهم کند.
سرزندگی و پویایی تمایز و تشخیص	این معیار به این معناست که فضای شهری سرزنده و پویا بوده و امکان شکلگیری عرصه های عمومی از آن ناشی می شود. این معیار به این معناست که افراد می توانند فضای شهری را از هم تشخیص داده و بین آنها تفاوت قائل شوند.



معیار	تعریف عملیاتی
ایمنی و امنیت	این معیار به جنبه های امنیت اجتماعی و ایمنی کالبدی- فیزیکی و تاثیر آن بر شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.
نیرومندی فضا	این معیار به جذب کنندگی و قدرت هر فضا در پدیدار کردن فعالیت های خاص اجتماعی اشاره دارد
نظافت و پاکیزگی	این معیار به پاکیزگی و بهداشت محیط و نقش احتمالی آن در شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.
ارزشهای معمارانه محیط	این معیار به ویژگیهای معماری فضاهای شهری و نقش احتمالی آن بر شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.
محیط همگانی	این معیار اشاره دارد که فضای شهری می تواند بگرداند بوسیله همه اقشار اجتماعی مورد استفاده قرار.
سهولت دسترسی	این معیار اشاره دارد که فضای شهری به آسانی قابلیت دسترسی دارد.
اصالت و معنا	این معیار اشاره دارد که فضای شهری دارای معنا، اصیل بوده و زمینه شکلگیری عرصه های عمومی را شدنی می کند.
مشارکت پذیری	این معیار به این معناست که امکان مشارکت شهروندی و عامه مردم در فضا فراهم می شود و فضا بستر شکلگیری مشارکتهای مدنی و اجتماعی است.
نقدپذیری در فضا	این معیار به این معناست که به شهروندان می تواند در فضاهای شهری به نقد مسائل روز و مسائل روزمره زندگی خود در تمامی ابعاد بپردازند.
خردورزی و عقلانیت	این معیار به این معناست که روحیه حاکم بر فضای شهرها کاملاً عقلانی و خالی از رویکردها و رویه های احساسی و مهتر از آن غیرعقلایی است.
انعطاف پذیری	این معیار به این معناست که در برابر نحوه استفاده مردم و نیاز آنها منعطف عمل کند.
کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	این معیار به این معناست که امکان تعامل اجتماعی و زمینه گفتگوی شهروندان فراهم می شود.
عدالت فضایی و اجتماعی	این معیار به جنبه ها و فرصتهای استفاده عادلانه از فضا برای تمام اقشار فارغ از نوع، جنس، سن و ... نظر دارد.
سهولت دسترسی	این معیار اشاره دارد که فضای شهری به آسانی قابلیت دسترسی دارد.

یافته های پژوهش

جهت پاسخگویی به سؤال تحقیق، داده های گردآوری شده ای که از نمونه هدف دریافت شده است، از آمار توصیفی و نیز آمار استنباطی بهره گرفته شد. در بخش جمعیت شناختی از میانگین و درصد و رتبه استفاده شد و در بخش استنباطی نیز در محیط لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی رتبه اول و دوم و تحلیل اکتشافی به سنجش نیکویی برآزش مولفه های پیشنهادی برای تبدیل مکان به عرصه های عمومی شهری اقدام شد.

تحلیل اکتشافی

در تحلیل اکتشافی (Exploratory factor analysis) پژوهشگر به دنبال بررسی داده های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص ها و نیز روابط بین آنهاست و این کار را بدون تحمل هرگونه مدل معینی انجام می دهد. به بیان دیگر تحلیل اکتشافی علاوه بر آنکه ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد می تواند ساختار ساز، مدل ساز یا فرضیه ساز باشد. تحلیل اکتشافی وقتی به کار می رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش تجربی برای تشکیل



اولکین (KMO)؛ این آزمون که با علامت اختصاری KMO مشخص شده، اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می‌کند. یعنی این آزمون مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی هست یا خیر؟ به عبارتی، آیا می‌توان گفت که واریانس مجموعه متغیرها ناشی از یک سری عوامل پنهانی و بنیادی است و نه تمامی این متغیرها؛ مقدار آماده این آزمون بین (۰) تا (۱) نوسان دارد.

آزمون کرویت بارتلت؛ آزمون بارتلت درصدد برآوردن هدف دوم تحلیل عاملی می‌باشد. یعنی این آزمون به ما کمک می‌کند تا پس از فراهم بودن امکان تقلیل داده‌ها به یک سری عامل‌های پنهانی، بتوانیم ساختار جدیدی را بر اساس همبستگی بین متغیرها و عامل‌ها و معنای انضمامی آن‌ها کشف کنیم. آزمون بارتلت این فرض صفر را از آزمون می‌کند که آیا ماتریس همبستگی داده‌ها، یک ماتریس واحد و همانی است یا خیر؟

فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته و به واقع مایل باشد درباره تعیین تعداد یا ماهیت عامل‌هایی که همپراشی بین متغیرها را توجیه می‌کنند داده‌ها را بکاود. بنابراین تحلیل اکتشافی بیشتر به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری در نظر گرفته می‌شود. بنابراین برای کشف نظرات نمونه آماری و برای پاسخگویی به سوال فوق و ارزیابی دیدگاه‌های متخصصان در زمینه مولفه‌های مسترخه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است:

۱. پیش فرض اجرای تحلیل اکتشافی؛ در انجام تحلیل اکتشافی و عاملی، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل کنیم که آیا می‌توان داده‌های موجود را تقلیل، و به چندین عامل پنهانی کاهش داد یا خیر؟ در انجام تحلیل عاملی، برای این مقصود، از دو آزمون KMO و بارتلت استفاده می‌کنیم که هر این دو آزمون نشان می‌دهند آیا داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟
۲. شاخص کفایت نمونه گیری کیزر - میر -

جدول ۳. (آزمون بارتلت) KMO and Bartlett's Testa

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		0.694
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	2.899E
	Df	112
	Sig.	0.000
a. Based on correlations		

ارائه هرگونه نتیجه یک آزمونی استنباطی ابتدا به شاخصهای آمار توصیفی آن پرداخته می‌شود که شامل میانگین کسب شده در عرصه اجرا و میزان انحراف معیار که نسبت به میانگین در هر یک از گویه‌ها دیده می‌شود، پرداخته می‌شود براساس همین رویکرد، محقق در این بخش ابتدا به ارائه گزارشی از آمار توصیفی پرداخته و سپس به نتایج آزمون استنباطی تحلیل اکتشافی پرداخته است:

آزمون بارتلت و KMO و همچنین سطح معنی داری به دست آمده نشان می‌دهد که ماتریس ماده‌ها یک ماده اتحاد نیست و به عبارت دیگر همبستگی کافی برای تحلیل عامل اکتشافی وجود دارد. بر همین اساس، در ادامه در مرحله اول به تحلیل اکتشافی گویه‌های پرسشنامه به صورت کلی یک عامل کلی پرداخته می‌شود و قابلیت تبیین هر کدام بررسی می‌شود. قبل از

جدول ۴. شاخصهای آمار توصیفی مربوط به گویه‌های پرسشنامه

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
۱	آزادی	۴/۴۹	۰/۷۸
۲	فرصت برابر	۴/۴۴	۰/۸۱
۳	تفاوت	۴/۴۸	۰/۷۴
۴	نیاز	۴/۴۲	۰/۸۰
۵	شرکت در منفعت عمومی	۴/۴۷	۰/۷۵
۶	استحقاق	۴/۴۰	۰/۸۱
۷	آزادی انتخاب	۴/۴۵	۰/۷۴
۸	قرائت‌پذیری و شفافیت	۴/۴۳	۰/۷۵
۹	تجمع‌پذیری	۴/۴۷	۰/۷۶
۱۰	قرائت‌پذیری میراث فرهنگی	۴/۴۰	۰/۷۹
۱۱	زیبایی و منظر شهری	۴/۴۰	۰/۸۴
۱۲	هویت و فرهنگ	۴/۴۰	۰/۸۲
۱۳	راحتی و اسایش	۴/۴۵	۰/۷۹
۱۴	تنوع و جذابیت	۴/۴۷	۰/۸۰
۱۵	سرزندگی و پویایی	۴/۴۳	۰/۸۱
۱۶	تمایز و تشخیص	۴/۴۹	۰/۷۹
۱۷	ایمنی و امنیت	۴/۴۷	۰/۷۷
۱۸	نیرومندی فضا	۴/۵۰	۰/۷۳
۱۹	نظافت و پاکیزگی	۴/۴۶	۰/۷۹
۲۰	ارزشهای معمارانه محیط	۴/۴۸	۰/۷۴
۲۱	محیط همگانی	۴/۵۰	۰/۷۷
۲۲	سهولت دسترسی	۴/۴۵	۰/۷۵
۲۳	اصالت و معنا	۴/۴۷	۰/۸۰
۲۴	مشارکت‌پذیری	۴/۴۶	۰/۷۶
۲۵	نقدپذیری در فضا	۴/۴۷	۰/۷۶
۲۶	خردورزی و عقلانیت	۴/۴۶	۰/۷۸
۲۷	انعطاف‌پذیری	۴/۴۶	۰/۷۷
۲۸	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	۴/۴۲	۰/۷۶
۲۹	عدالت فضایی و اجتماعی	۴/۴۶	۰/۷۶

در جدول زیر مقدار ثابت معیاری برای تبیین گویه‌های یک پرسشنامه می باشد به طوریکه هر گویه ای که عدد تبیین آن به یک نزدیک باشد بیشترین قدرت پیش بینی و اولویت را در اختصاص یک مفهوم به یک موقعیت یا موضوع دارد همانطور که مشاهده می شود هریک از مفاهیم و مقوله‌ها اعدادی را به خود اختصاص داده‌اند که مرحله اول تحلیل اکتشافی می‌باشند که هر چقدر به معیار (عدد ۱) نزدیک باشند به همین مقدار دارای قدرت تبیین بیشتر و اهمیت هستند.

جدول ۵. مقدار واریانس هر گویه برای تبیین

میزان تبیین	مقدار ثابت	مولفه ها
۰/۶۱۳	۱/۰۰	آزادی
۰/۶۶۱	۱/۰۰	فرصت برابر
۰/۵۵۴	۱/۰۰	تفاوت
۰/۴۲۵	۱/۰۰	نیاز
۰/۶۵۵	۱/۰۰	شرکت درمنفعت عمومی
۰/۵۶۵	۱/۰۰	استحقاق
۰/۶۶۰	۱/۰۰	آزادی انتخاب
۰/۵۵۶	۱/۰۰	قرائتپذیری و شفافیت
۰/۵۷۰	۱/۰۰	تجمع پذیری
۰/۵۹۰	۱/۰۰	قرائت پذیری میراث فرهنگی
۰/۶۳۳	۱/۰۰	زیبایی و منظر شهری
۰/۷۱۴	۱/۰۰	هویت و فرهنگ
۰/۶۷۸	۱/۰۰	راحتی و اسایش
۰/۶۳۷	۱/۰۰	تنوع و جذابیت
۰/۶۴۵	۱/۰۰	سرزندگی و پویایی
۰/۶۶۴	۱/۰۰	تمایز و تشخیص
۰/۵۶۵	۱/۰۰	ایمنی و امنیت
۰/۶۰۵	۱/۰۰	نیرومندی فضا
۰/۵۴۰	۱/۰۰	نظافت و پاکیزگی
۰/۶۲۷	۱/۰۰	ارزشهای معمارانه محیط
۰/۵۵۸	۱/۰۰	محیط همگانی
۰/۵۹۵	۱/۰۰	سهولت دسترسی
۰/۵۷۱	۱/۰۰	اصالت و معنا
۰/۶۴۵	۱/۰۰	مشارکت پذیری
۰/۵۸۳	۱/۰۰	نقدپذیری در فضا
۰/۵۹۱	۱/۰۰	خردورزی و عقلانیت
۰/۶۲۳	۱/۰۰	انعطاف پذیری
۰/۶۱۴	۱/۰۰	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری
۰/۶۱۳	۱/۰۰	عدالت فضایی و اجتماعی



نتایج فوق میزان تبیین هرکدام از گویه‌ها را که در تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی شهری مهم و اساسی هستند، را نشان می‌دهد. همه گویه‌ها به نحوی بارهای عاملی بالایی را به خود اختصاص داده‌اند اما گویه‌های فرصت برابر، عدالت فضایی و اجتماعی، کنش ارتباطی و گفتگوپذیری، مشارکت پذیری و انعطاف‌پذیری دارای بارهای عاملی بالایی هستند.

جدول ۶. بررسی تبیین هریک از گویه‌های پرسشنامه

۰/۷۸	۴/۴۹	آزادی	۱
۰/۸۱	۴/۴۴	فرصت برابر	۲
۰/۷۴	۴/۴۸	تفاوت	۳
۰/۸۰	۴/۴۲	نیاز	۴
۰/۷۵	۴/۴۷	شرکت درمنفعت عمومی	۵
۰/۸۱	۴/۴۰	استحقاق	۶
۰/۷۴	۴/۴۵	آزادی انتخاب	۷
۰/۷۵	۴/۴۳	قرائت‌پذیری و شفافیت	۸
۰/۷۶	۴/۴۷	تجمع پذیری	۹
۰/۷۹	۴/۴۰	قرائت‌پذیری میراث فرهنگی	۱۰
۰/۸۴	۴/۴۰	زیبایی و منظر شهری	۱۱
۰/۸۲	۴/۴۰	هویت و فرهنگ	۱۲
۰/۷۹	۴/۴۵	راحتی و اسایش	۱۳
۰/۸۰	۴/۴۷	تنوع و جذابیت	۱۴
۰/۸۱	۴/۴۳	سرزندگی و پویایی	۱۵
۰/۷۹	۴/۴۹	تمایز و تشخیص	۱۶
۰/۷۷	۴/۴۷	ایمنی و امنیت	۱۷
۰/۷۳	۴/۵۰	نیرومندی فضا	۱۸
۰/۷۹	۴/۴۶	نظافت و پاکیزگی	۱۹
۰/۷۴	۴/۴۸	ارزشهای معمارانه محیط	۲۰
۰/۷۷	۴/۵۰	محیط همگانی	۲۱
۰/۷۵	۴/۴۵	سهولت دسترسی	۲۲
۰/۸۰	۴/۴۷	اصالت و معنا	۲۳
۰/۷۶	۴/۴۶	مشارکت‌پذیری	۲۴
۰/۷۶	۴/۴۷	نقدپذیری در فضا	۲۵
۰/۷۸	۴/۴۶	خردورزی و عقلانیت	۲۶
۰/۷۷	۴/۴۶	انعطاف‌پذیری	۲۷
۰/۷۶	۴/۴۲	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	۲۸
۰/۷۶	۴/۴۶	عدالت فضایی و اجتماعی	۲۹



نتیجه گیری و جمع بندی

خروجی تحلیل اکتشافی یک جدول مانند جدول فوق است که هدف پژوهش را به عنوان یک عامل کلی (در اینجا تبدیل مکان به عرصه های عمومی شهری است) و مقوله های آن را (در اینجا ۲۹ مقوله استخراجی حاصل از تکنیک تحلیل محتوای) به عنوان ریزعاملها یا عامل های ثانوی به صورت کلی به نمایش می گذارد و پیش بینی می کند که کل عوامل به صورت یک جا تا چند درصد قدرت تبیین یک موقعیت را دارند که در جدول فوق، میزان واریانس و تبیین متغیرهای تحقیق را به صورت یک عامل کلی و مجموع بارهای عاملی تحلیل اکتشافی را نشان می دهد. براساس نتایج به دست آمده عامل کلی (که در اینجا کل گویه های پرسشنامه به صورت یک عامل کلی در نظر گرفته شده است) ۳۵/۸۳ از کل را تبیین می کند و مجموع عوامل نیز ۶۶/۷۷ درصد از تاثیر مولفه های بالا در تغییر مکان به عرصه های عمومی شهری را تبیین می کنند. بدین معنی از نظر نمونه آماری مولفه های مطروحه در ابزار تحقیق به صورت کلی ۶۶/۷۷ درصد از تاثیر و اثربخشی مولفه های فوق در این زمینه قابلیت تبیین دارند.

منابع و کتاب شناسی

۱. ابراهیمی مینق، جعفر و امیری، محمد (۱۳۸۶) مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی (آراء و نظریه ها)، پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال اول، شماره چهارم، زمستان ۸۶
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۲) گستره همگانی در نگرش انتقادی هابرماس، مجله گفتگو، شماره ۱.
۳. اخوت، آرش (۱۳۸۳) مردم واری بناهای عمومی، فصلنامه معماری ایران، دوره پنجم، شماره ۱۸.
۴. ادنانی، روح ا.... (۱۳۸۹) تالار شهرداری اندیشه (شهریار)، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. دانشکده عمران و معماری. استاد راهنما: دکتر نوروزیان. استاد مشاور: مهندس سهیلی.

۵. اسدی، علی (۱۳۷۱)؛ افکار عمومی و ارتباطات؛ انتشارات سروش
۶. افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۷. افشار کهن، جواد و پیمان پاکمنش (۱۳۹۲) بررسی نظامواره مسائل معرفتی جامعه شناسی ایران در ارای پویر و هابرماس، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۵۲.
۸. افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۸.
۹. اکبری، غضنفر (۱۳۸۰) روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهر، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.
۱۰. اووه فلیک (۱۳۹۲) «درآمدی بر تحقیق کیفی»، مترجم هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران، انتشارات نشر نی
۱۱. ایمان، محمد تقی (۱۳۹۳). مبانی پارادیمی روش های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، انتشارات: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
۱۲. ایروانی، محمود و خدایناهی، محمد کریم (۱۳۸۱) روان شناسی احساس و ادراک، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
۱۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴) پاتوق و مدرنیته ایرانی، نشر لوح فکر.
۱۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۸) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه.
۱۵. بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. بحرینی، حسین و طیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
۱۷. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
۱۹. برن، آگ و نیم کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران، انتشارات نگاه.

تأثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.

۳۴. توسلی محمود و ناصر بنیادی (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری - فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۳۵. توسلی، محمود و دیگران (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری، جلد اول. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۳۶. توسلی، محمود (۱۳۷۱) اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۳۷. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.

۳۸. جوان، جعفر و دیگران (۱۳۹۲) دیالکتیک فضا از منظر لوفور، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۲.

۳۹. جونيو. و. ئوکی (۱۳۶۵)؛ تعریفی از افکار عمومی؛ از کتاب صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب سرا

۴۰. جووت کرت (۱۳۷۴)، ساختار تبلیغات سیاسی؛ ترجمه محبوبه ملکلو؛ فصلنامه رسانه؛ سال ششم شماره اول

۴۱. جهانگلگو، رامین (۱۳۸۵) نقد عقل مدرن. ترجمه سامعی، حسین. انتشارات فرزنان روز.

۴۲. جیکویز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۴۳. حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)، فصلنامه معماری و فرهنگ. سال هفتم، شماره ۲۴.

۴۴. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

۴۵. حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره های جمعی، مجله صفا،

۲۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۷) تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم جلد ۱ اندیشه های مارکسیستی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.

۲۱. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۲. بنت، اندی (۱۳۸۶) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان نشر اختران - چاپ اول، تهران

۲۳. بتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

۲۴. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)؛ آرمان شهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

۲۵. پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.

۲۶. پایا، علی (۱۳۷۷) معجزه گفتگو، مجله راه نو، سال اول. شماره ۵. ۱۳۷۷.

۲۷. پرایس وینسنت (۱۳۸۲)؛ افکار عمومی؛ ترجمه علی رستمی و الهام میرتهامی؛ انتشارات مطالعات راهبردی

۲۸. پرتوی، پروین (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنرهای زیبا، ش ۱۴، تهران.

۲۹. پوپر، کارل (۱۳۶۴) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.

۳۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صفا، سال ۱۶، شماره ۴۵.

۳۱. پولادی، کمال (۱۳۸۸) تاریخ اندیشه سیاسی در غرب قرن بیستم، تهران: نشر مرکز.

۳۲. تانکیس (۱۳۸۸) فرم، فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل های شهری)؛ ترجمه پارسی، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.

۳۳. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹)



۵۹. رضوی زاده، سید نورالدین (۱۳۷۷)؛ وانمایی و سلطه در جریان بین المللی خبر؛ مجموعه مقالات دومین سمینار برای مسائل مطبوعات ایران؛ جلد ۲؛ انتشارات رسانه
۶۰. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۶۱. رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) فلسفه و دموکراسی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی ایران.
۶۲. ریترز، جورج (۱۳۸۶) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ چهاردهم.
۶۳. سالک رضا (۱۳۷۸)؛ نقش ارتباطات رسانه‌ای و میان‌فردی در شکل‌گیری افکار عمومی؛ نشریه افکار عمومی؛ شماره ۸ انتشارات صدا و سیما
64. John Parkinson, "Holistic Democracy and Physical Public Space", University of York, London, 2006.
65. Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
66. DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
67. Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
68. Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 5659-
69. PETER NÆSS* AND OLE B. JENSEN (2002) (Urban land use, Mobility and Theory of science :exploring the potential for critical realism in empirical Research "online accepted on (www.interscience.wiley.com) Alborg Denmark
70. Margit Mayer, Neil Brenner and Peter Marcuse November 62008) 8-) "The Right to the City": Prospects for Critical Urban Theory and Practice, Berlin,
71. Neil Brenner, David J. Madden & David Wachsmuth (2012) "Assemblage urbanism and the challenges of critical urban theory" ONLINE <http://www.tandfonline.com>
72. Brenner, Neil (2009) "what is critical urban theory?", the journal of city vol. 13 NO 2&3
73. Urban Task Force (1999) Towards an
- سال نهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
۴۶. حبیبی، محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره هفتم، تابستان ۱۳۷۹.
۴۷. حبیبی، مقصودی، محسن، ملیحه (۱۳۸۴) مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روشها و اقدامات شهری، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴۸. حسام، فرحناز (۱۳۸۰) حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.
۴۹. حسین و محمود شورچه (۱۳۹۲) شهر و نظریه انتقادی با تاکید بر آرا دیوید هاروی، انتشارات پرهام نقش.
۵۰. دفتر برنامه ریزی و خدمات آموزشی وزارت خارجه (۱۳۷۲) احزاب سیاسی مصر، تهران، وزارت امور خارجه.
۵۱. دلاور، علی. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران رشد.
۵۲. دیویس فیلیپ (۱۳۶۵)، صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب‌سرا
۵۳. دیویسون فیلیپس (۱۳۷۵)؛ مقدمه‌ای بر افکار عمومی؛ ترجمه نصرت فتی؛ نشریه افکار عمومی، شماره ۷ انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما
۵۴. ذکاوت، کامران و دهقان (۱۳۹۳) نظام عرصه عمومی: بعد رویه‌ای (جایگاه اسنادی)، برنامه اسکان بشر ملل متحد در ایران، پنجمین سمپوزیوم.
۵۵. راست بین، ساجد و دیگران (۱۳۹۱) رابطه همبستگی بین کیفیت محیطی و تداوم حیات شهری، باغ نظر، شماره ۲۱.
۵۶. رزاقی، افشین (۱۳۸۵) نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، تهران، آسیم، چاپ دوم.
۵۷. رضایی یزدی، محمد (۱۳۷۶)؛ مبانی نظری شناخت افکار عمومی؛ مرکز تحقیقات و توسعه صدای صدا و سیما
۵۸. رضوی، سید مصطفی، اکبری، مرتضی، جعفرزاده، مرتضی (۱۳۹۳). بازکاوی روش تحقیق آمیخته، انتشارات: دانشگاه تهران

- Urban Renaissance. PP 5659-
74. Larice, Michel and Macdonald, Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348375-
 75. Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
 76. Laughlin, Fredric L and Andringa, Robert C. (2007) Good Governance for Nonprofits, Developing Principles and Policies for an Effective Board, AMACOM; P. 70.
 77. Sayan, Gencay (2003) changes, globalization and Newtasks of the government, Imge publication, Ankara, Turkey; P. 702.
 78. Davies, Jonathan S. (2002) The Governance of urban Regeneration: A Critique of the Governing without Government, public Administration, Vol, 80, No, 2.
 79. Clark, D., (2003), Urban World/Global City, Second edition, Routledge, p. 200.
 80. Nurhadi, (2009) Urban Poverty and Local Capacity Building international Conference on social silences (ICSS) Volume, 3, 1011-September, izmilt, Turkey.



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018